

نقش پارادایلماسی در مناطق مرزی؛
مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان

محمد بیدگلی^۱

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۲/۲۵
صص: ۸۳-۶۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

چکیده

پارادایلماسی یکی از انواع جدید دیپلماسی است. استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از استان های مرزی نقطه ثقل ارتباطی بین سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان است، لذا موقعیت راهبردی ویژه ای در زمینه ارتباطات سیاسی و اقتصادی برای این استان فراهم کرده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که نقش پارادایلماسی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان چیست؟ در فرضیه بیان می شود که پارادایلماسی باعث سرمایه گذاری و توسعه یافتگی در منطقه مرزی این استان می شود. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه ای و مقالات اینترنتی به دلایلی از جمله داشتن موقعیت جغرافیایی ویژه، وجود معادن غنی فلزی، اقلیم مناسب کشت محصولات، نقش بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی، فعالیت های گردشگری، بندرچابهار، انرژی خورشید و باد، فعالیت پایانه های مرزی، صنایع کشتی سازی و وجود اسکله های مهم کشتیرانی مورد بررسی قرار داده است و نتایج حاکی از آن است که پارادایلماسی در منطقه مرزی سیستان و بلوچستان می تواند نقش بسزایی در جذب سرمایه و اشتغال زایی و گسترش تبادلات متنوع اقتصادی و کمک به دولت مرکزی در حل و فصل مسائل فرامنطقه ای داشته باشد.

کلیدواژه ها: ارتباطات سیاسی، پارادایلماسی، سرمایه گذاری، سیستان و بلوچستان، مناطق مرزی.

DOI: 10.22080/jpir.2024.25776.1338

۱. گروه حقوق، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

دیپلماسی مهمترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ ظهور دولت-ملت ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدید آمده است (نادری چنار و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷). پارادایپلماسی^۲ یکی از انواع جدید دیپلماسی است. در حالی که دیپلماسی در گذشته تنها در انحصار دولت های مرکزی بود، در عصر کنونی طیف گسترده ای از کنشگران فروملی در آن نقش ایفا می کنند. واحدهای سیاسی مانند استان ها و حتی شهرها، مهمترین بازیگران ساحت پارادایپلماسی محسوب می شوند. با جهانی شدن و رشد وابستگی متقابل دولت ها، ساختارهای رسمی دولت به تنهایی نمی تواند به دستگاه دیپلماسی کمک کند. درک شرایط امروز جهان ایجاب می نماید که منافع ملی کشورها فقط از منظر دیپلماسی رسمی تعریف نشود و مؤلفه هایی نظیر دیپلماسی شهری^۳، دیپلماسی عمومی^۴، قدرت نرم^۵، هویت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی نیز به عنوان سایر ابعاد ارتقای سطح منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرند. کنشگران فروملی تحت تاثیرات تحولات کنونی به برخی اقدامات در جهت ارتباطات فرامرزی با آن سوی مرزهای خود هستند که این امر به تاثیر در سیاست های بالادستی و پایین دستی کشور منجر می شود و در نهایت افزایش قدرت ملی را باعث خواهد شد. اکنون که مولفه های قدرت ملی از شکل سنتی خود خارج شده است، جا دارد تا جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به توانایی های گسترده خود و به خصوص مرزهای چهارگانه و تنوعات قومی و فرهنگی از این فرصت بهره ببرد و بر قدرت ملی خود بیفزاید. شناخت این ظرفیت ها و به کارگیری آنها در جهت قدرت ملی ضرورت دارد. در این رهگذر با بهره گیری از فرایند جهانی شدن، ارتباطات گسترده ای را با دیگر دولت های ملی، بازیگران فروملی و حتی سازمان های بین المللی برقرار سازند تا خود را در فضای جهانی شده جهانی کنند (Sassen, 2010: 109). جهانی شدن فرصت ها و چالش های فراوانی بوجود آورده که یکی از پیامدهای آن، پدید آمدن مفاهیمی نو از جمله حکمرانی جهانی و سازمان های غیر دولتی بین المللی است که جایگاه حکومت ها یا دولت ها را به منزله تنها بازیگران عرصه بین المللی دستخوش

1 diplomacy

2 Paradiplomacy

3 urban diplomacy

4 Public Diplomacy

5 soft power

تغییر و تحولات زیادی کرده است. تغییر و تحولات نظام بین‌الملل باعث شده یک جانبه‌گرایی که بیشتر توسط ایالات متحده آمریکا پیگیری می‌شد جای خود را به چندجانبه‌گرایی بدهد که غالب بازیگران آن را نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و شهروندان آنها تشکیل دهد. البته پدیده جهانی شدن باعث ظهور و وجود آمدن بازیگران جدید بین‌المللی در قالب‌های نهادها، سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی گردیده که این خود مفهوم حکمرانی را دستخوش تغییر کرده است. مفهوم جهانی شدن از دهه ۱۹۶۰ وارد فرهنگ لغات گردیده است. از مختصات بارز جهانی شدن نمی‌توان فقط سرعت را نام برد، زیرا همراه با عنصر سرعت، کیفیت تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی دستخوش تحول اساسی گردیده‌اند (قوام، ۱۳۸۳: ۷).

وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق اهمیت ویژه‌ای را در فرآیند برنامه‌ریزی، توسعه، آمایش سرزمین به مناطق مرزی داده است که در صورت غفلت از آنها به طور جد شاهد چالش‌های عمده‌ای از جمله عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین خواهیم بود (محمدی و فخرفاطمی، ۱۳۸۴: ۲). موقعیت جغرافیایی ویژه، وجود معادن غنی فلزی، اقلیم مناسب کشت محصولات سودآور صادراتی، شرایط ممتاز استان سیستان و بلوچستان برای تصدی نقش بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آب‌های شرقی و جنوبی و شاخ آفریقا، اقلیم مناسب برای توسعه فعالیت‌های گردشگری، اتصال استان و مرز پاکستان به شبکه راه آهن سراسری کشور، بندر چابهار، بهره‌مندی از نزدیک‌ترین مسیر به کشورهای آسیای میانه، انرژی خورشید و باد، فعالیت پایانه‌های مرزی، صنایع کشتی‌سازی و وجود اسکله‌های مهم کشتیرانی از اهم امتیازات منحصر به فرد این استان است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که نقش پارادایم‌سازی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان چگونه است؟ در فرضیه بیان می‌شود که پارادایم‌سازی باعث سرمایه‌گذاری و توسعه یافتگی در منطقه مرزی استان سیستان و بلوچستان می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پارادایلماسی هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه ای چندان قوی ندارد؛ به ویژه در موضوع مناطق مرزی که معدودی کتاب و چند مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود. در خصوص نقش پارادایلماسی در مناطق مرزی پژوهش های صورت گرفته است که در جدول زیر به برخی از آنها که در برخی جنبه ها به این پژوهش نزدیک تر بودند، اشاره شده است:

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
نادری چنار-زکیه جان پرور-محسن رنجکش-محمدجواد ۱۴۰۱ روش توصیفی-تحلیلی،	نقش دیپلماسی مرزی در احقاق حقوق مرزنشینان ایران و ترکمنستان	دیپلماسی مرزی می تواند در احقاق حقوق ساکنین مرزی موثر باشد و باعث توسعه مناطق مرزی و کاهش مشکلات و تنش ها شود
مومنی-مجیدرضا رحیمی-آزاده غیبی زاده-نسرین ۱۳۹۵ روش توصیفی تحلیلی	پارادایلماسی و کاربرد آن در شهرهای مرزی؛ مطالعه موردی آذربایجان غربی	نقش بسزایی در حل و فصل منازعات منطقه ای، گسترش تعاملات منطقه ای و حتی فرمانطقه ای و بین المللی
شکوهی-سعید صفری-عسگر ۱۳۹۸ روش تبیینی	پارادایلماسی ابزار نوین تعامل دولت ایران با مناطق کردنشین	پارادایلماسی، برخلاف نگاه امنیتی-سیاسی حاکم بر دیپلماسی سنتی، می تواند فرصت مناسبی برای بهبود تعامل دولت مرکزی ایران با کردها فراهم آورد.
محمدی-حمیدرضا فخرفاطمی-علی اکبر ۱۳۸۴ روش توصیفی تحلیلی	نقش بازارچه های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی، پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران	برطرف کردن موانع رکود فعالیت بازارچه و گسترش خدمات و تسهیلات آن و فراهم کردن امکانات
بهرامی جاف-ساجد شپوراک-رحیم مازندرانی-دریا ۱۴۰۰ روش توصیفی تحلیلی	تحلیل کارکرد بازارچه های مرزی در توسعه مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح)	نتایج آزمون T نشان داد که بازارچه مرزی تاثیر گذاری چندانی بر فرآیند توسعه در منطقه مورد مطالعه در ابعاد مطرح شده نداشته است.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

منظور از نوآوری یعنی به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا پژوهشی جدید. پژوهش هایی در خصوص پارادایپلماسی در مناطق مرزی صورت گرفته است، اما مقاله پیش رو به تحلیل نقش پارادایپلماسی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان می پردازد.

۳. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۳/۱- دیپلماسی

واژه دیپلماسی به معنی هدایت روابط بین افراد، گروه ها و ملت ها از جمله واژه های سیاسی مورد استفاده در عرصه مناسبات بین المللی است. دیپلماسی در کاربرد رسمی خود عمدتاً به دیپلماسی بین المللی که هدایت روابط بین المللی از طریق دیدار و گفت و گوهای دیپلمات های رسمی است اشاره دارد. دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی نهادها، دولت ها و سازمانهاست. قطعاً ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می توان در نظر گرفت (صالحی امیری: ۱۳۸۹، ۱۰۸). هر چند دیپلماسی ابزاری است که به واسطه آن کشورها از خلال نمایندگان رسمی و غیررسمی به مدیریت، هماهنگی و صیانت منافع ویژه و یا به طور کلی همه منافع خود می پردازند. در این مسیر می توان گفت دولت ها دیگر بازیگران صفر در صحنه بین المللی نیستند و موازی با مردم قرار خواهند گرفت (صباغیان، ۱۳۸۶: ۲). عصر کنونی، تغییرات گسترده و پیچیده شدن مفهوم قدرت و راه های افزایش آن است. در این میان دیپلماسی به مثابه مغز متفکر قدرت ملی به گونه ای متحول شده که دیپلماسی به دهه ها پیشوند و پسوند متصف شده است. با جهانی شدن و رشد وابستگی متقابل دولت ها، ما شاهد اختلاط فعالیت های دیپلماتیک هستیم و بسیاری از کارکردهای دیپلماتیک مکمل یکدیگر هستند. سیاست خارجی از مهمترین عوامل افزایش قدرت ملی کشور است و اکنون مولفه های قدرت ملی در سایه رویدادهای ناشی از جهانی شدن در حال تغییر و تحول است. دیپلماسی، هسته مرکزی قدرت ملی است، لذا در ابعاد خود دچار تحولاتی گسترده شده است. به هر حال، دیپلماسی مهمترین وجهه و عینی ترین شکل سیاست خارجی یک کشور است (زادگان، ۱۳۹۰:

۱۰). همچنین پدیده شهروندی تحت تأثیر جهانی شدن، به طور فزاینده ای باعث گردید تا شهرها، از طریق نیازهای پیچیده شهروندان به منظور ارتقاء وضعیت فردی شهروندان با سایر شهرها همکاری کنند. از آنجا که شهرهای مهم یک کشور در سطح شهرهای جهانی معرفی می شوند، پتانسیل ایجاد شبکه های شهری را دارند. این شبکه های شهری یا به عبارتی شهرهای خواهرخوانده، در روند شکل دهی نیاز شهروندان و شهرها مؤثرتر واقع می شوند. بنابراین سیاست جهان به گونه ای است که دیگر دولت ها تنها بازیگران جهانی نیستند و حکمرانی خوب ترکیبی از همکاری این نیروها خواهد بود. بازیگران غیردولتی به طور فزاینده ای نقش مهمی در سیاست های جهان به دست آورده اند. جهانی شدن، در ابعاد سیاسی موجب بروز تغییراتی از قبیل افزایش ارتباطات فرامرزی میان بازیگران غیردولتی، افزایش قوانین و مقررات فراملی، افزایش مشارکت بخش خصوصی در تدوین مقررات جهانی و گسترش جامعه مدنی جهانی شده است (شولت، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۴). به بیان دیگر، مسائل و مشکلات جدید جهانی، دیگر نهادها و وزارتخانه های داخلی یک کشور را نیز درگیر مسائل بین المللی کرده و موجب شده است تا هر یک از سازمان های داخلی فعال در درون یک دولت، روابطی را با همتایان خود در دیگر کشورها برقرار کنند (سیمبر، ۱۳۹۵: ۱۷۵). اگر زمانی مسائل سیاست جهان به وسیله تعامل دولت ها حل و فصل می شد، اکنون مسائل دیگری در دستور کار سیاست جهان قرار گرفته اند که از صلاحیت اقتدار دولت ها خارج است (روزنا، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۸). در چنین شرایطی، دولت ها مجبور شده اند پیوسته خود را با شرایط جدید جامعه جهانی تطبیق دهند و صلاحیت هایشان را بازتعریف کنند (Keating, 2000: 25).

۳/۲- پارادایلماسی

واژه پارادایلماسی برای اولین بار در مباحث آکادمیک از سوی اندیشمند کانادایی پانایوتیس سولداتوس ارائه شد (Soldatos, 1990: 45). پارادایلماسی به طور نسبی یک پدیده و موضوع جدید در رشته روابط بین الملل است. پارادایلماسی به این موضوع اشاره می کند که چه چیزی می تواند ظرفیت ها و توانایی های واحدهای فروملی و مشارکت و استقلال این واحدها را در عرصه بین المللی در پیگیری منافع خاص بین المللی توصیف کند (مومنی و

همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱). پارادایم‌های سیاسی موجبات پیشبرد اهداف دیپلماتیک را با ارائه تصویری مردمسالار، مبتنی بر تمرکززدایی، از آن کشور نزد افکار عمومی بین‌المللی فراهم آورد (Hocking, 1993: 82).

واژه پارا با توجه به معنای متفاوتی که دارد هنگامی که در کنار واژه‌های دیگر قرار می‌گیرد معنایی متفاوت را بر آن تحمیل می‌کند. به همین دلیل با قرار گرفتن این واژه به عنوان پیشوند دیپلماسی به کلمه دیپلماسی معنایی جدید بخشیده است، می‌توان آن را دیپلماسی چندگانه، دیپلماسی خرد، دیپلماسی مشارکتی و مواردی از این قبیل دانست که ظرفیت مناسبی برای تحلیل عرصه سیاست خارجی است. در تعریف پارادایم‌های از چندین عبارت استفاده شده است. دیپلماسی فراملی، دیپلماسی منطقه‌ای، میکرو دیپلماسی و دیپلماسی چند لایه و پسا دیپلماسی. ولی جامع‌ترین تعریف از گریدلگ است که پارادایم‌های را یک فعالیت فراسرزمینی نهادی می‌داند که نهادهای سیاسی خارجی را مد نظر قرار می‌دهد و سپس این مفهوم توسط دیوچاسک توسعه داده شد که پارادایم‌های را برای معرفی دیپلماسی‌های فراملی در سطح منطقه‌ای و جهانی به کار برد و استفاده کرد. نظریه پردازی به نام الکساندر اس. کازنتسو معتقد است مفهوم پارادایم‌های به معنای آن است که نهادهای فراملی، محلی، منطقه‌ای و فراملی می‌توانند بازیگران بین‌المللی باشند. وی معتقد است: کنشگران جدید با ایجاد حکومت‌های محلی به دنبال ارتباط با دیگر واحدها در خارج از مرزهای ملی خود هستند که این ارتباطات گاه از طریق افراد (وزراء)، گاهی از طریق نهادهایی چون استانداری و شهرداری و از این قبیل واحدها و گاهی هم از طریق کنشگرانی چون شرکت‌های چندملیتی و سایر بازیگران فراملی برقرار می‌شود. در کل پارادایم‌های به معنای نقش‌آفرینی بازیگران فراملی در عرصه سیاست خارجی است که دارای سه بُعد اقتصاد، فرهنگ و جغرافیا است (خالقی نژاد، ۱۳۹۹: ۲).

۳/۳- مرز و مرزنشینی

از نظر ساختاری، منطقه از ناحیه وسیع‌تر است و گاه تا چند استان پیرامونی خود را شامل می‌گردد. یکی از تعاریف منطقه این است که به محدوده‌ای مشخص و معین از سطح زمین که در اثر یک یا چند ویژگی یا عارضه طبیعی بوجود آمده و آن را از محدوده‌های پیرامونی خود

1 Gridlog
2 Diochask
3 Alexander S. Cazentsu

جدا می سازد گویند و از لحاظ جغرافیایی نیز به مکانی اطلاق می شود که یکی از جنبه های سیاسی، اقتصادی و یا کالبدی را در درون خود به صورت مشترک داشته باشد (زیاری، ۱۳۸۰: ۶۰). کشور ایران نیز به دلیل دارا بودن مرزهای چهارگانه از نظر جغرافیایی و تنوع فرهنگی که با مرزهای خود در کشورهای دیگر مشترک است و همچنین تولیدات اقتصادی و ظرفیت های اقتصادی مناسب، دارای ظرفیت های پارادایلماتیک متنوعی است که می تواند با بهره گیری از کنشگران ریز و کوچک خود به ارتباطات بیشتر خارجی با کشورهای همسایه پردازد و قدرت ملی خود را افزایش دهد. بی تردید علاوه بر ایران در هر گوشه از جهان شاهد تمایلات برخی کنشگران برای برقراری ارتباطات مختلف اقتصادی و فرهنگی با آن سوی مرزهای خود هستیم که در صورت به وقوع پیوستن نه تنها مقاصد کنشگران فروملی تامین می شود بلکه علاوه بر آن قدرت ملی و منافع ملی نیز افزایش و تامین خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ واقع شدن در منطقه ژئوپلیتیکی مهم و در پی آن دارا بودن سه ویژگی ممتاز از لحاظ پارامترهای فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خواهد توانست با بکارگیری از زمینه های موجود در مرزهای خود به افزایش روابط پارادایلماتیک پردازد. مرزهای ایران دارای ظرفیت های سه گانه جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند. از همین رو دولت ها همواره برای مرزنشینان معافیت ها و امتیازاتی را در نظر می گیرند. به طور مثال مرزنشینان می توانند برای رفع احتیاجات شخصی یا سر زدن به خویشان و اقوام خود، راحت تر از مرزها عبور کنند و از تخفیفات گمرکی برای نقل و انتقال کالا نیز برخوردار هستند. عدم احساس امنیت فضای و اجتماعی به دلیل طولانی شدن مسیر تصمیم گیری رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم دور از مرکز از پیامدهای مناطق مرزی می باشد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۵۰).

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر به تبیین و پردازش نقش پارادایلماسی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان می پردازد. برای جمع آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورد استفاده قرار گرفته است. روش های اسنادی در زمره روش ها یا سنجه های غیرمزاحم و غیرواکنشی به شمار می آید. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش های علمی یا بررسی هایی

انجام می‌شود که موضوع آنها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است یا پژوهش‌هایی که موضوع آنها این مراجعه را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). تکیه اصلی در استخراج کارکردهای پارادایم‌سازی در منطقه مرزی سیستان و بلوچستان می‌باشد. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است، زیرا پارادایم‌سازی در کمک به دولت مرکزی در حل و فصل مسائل فرامنطقه‌ای تأثیر داشته است. در نتیجه با کاربرد این رهیافت در سیستان و بلوچستان به عنوان مطالعه موردی، براین نکته تأکید می‌شود که مقوله پارادایم‌سازی نیازمند اهتمام بیشتر در حوزه دولت مرکزی می‌باشد.

۵. ساختار سیاسی و ژئوپلیتیکی استان سیستان و بلوچستان

این استان با وسعتی در حدود ۱۸۱۷۵۸ کیلومتر مربع، حدود ۱۱/۱ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و بزرگترین استان کشور از نظر مساحت است. این استان از جنوب ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان و از مشرق ۱۱۰۰ کیلومتر مرز بین‌المللی با دو کشور پاکستان و افغانستان دارد. استان سیستان و بلوچستان دارای ۱۴ شهرستان، ۴۱ بخش، ۳۷ شهر و ۱۰۳ دهستان است. آب و هوای استان از نوع آب و هوای بیابانی است. (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۱).

شکل یک: معرفی منطقه مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان



مرزهای طولانی آبی و خشکی استان با کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، موقعیت ویژه‌ای را به آن بخشیده و سبب ایجاد شرایطی خاص شده است. چندگانگی و تنوع مذهبی، گویش‌های مختلف و نمود تعلقات قومی و قبیله‌ای از دیگر ویژگی‌های اجتماعی این استان است. استان سیستان و بلوچستان با وجود مرزهای آبی و خاکی گسترده، داشتن سابقه تاریخی در زمینه مبادلات و تجارت و قرار داشتن در مهم‌ترین مسیر تجاری دنیای

قدیم(جاده ابریشم) و نیز مراودات قومی و فرهنگی مرزنشیان استان با کشورهای همسایه، سکونت ۵۱ درصدی جمعیت استان در مناطق روستایی و وابستگی اقتصاد استان به کشاورزی و شیلات، دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی خارج از تنگه هرمز و امکان ارتباط با کشورهای شرق آسیا، شبه قاره هند، شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس و بازارهای آفریقا، وجود منطقه تجاری- صنعتی آزاد چابهار، داشتن ذخایر معدنی گسترده، داشتن پتانسیل بالای تولید انرژی های نو و پاک، داشتن پتانسیل تاریخی و طبیعی بالا برای جذب گردشگر(مناطقی چون دریای بزرگ عمان، کوه تفتان، مناطق تاریخی چون شهر سوخته، کوه خواجه، مناظر هامون و هیرمند و ...) از پتانسیل های منحصر به فرد این استان در حوزه اقتصاد و صنعت و گردشگری است؛ اما مجموع آمار موجود حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی استان، به رغم پتانسیل های اقتصادی آن، در شرایط مطلوبی قرار ندارد. نگاه امنیتی به استان و اختلافات قومی مذهبی یکی از چالش های موجود در استان است که در کنار دیگر چالش های استان یعنی فاصله جغرافیایی استان از مرکز و همچنین شهرستان های استان باعث شده ارتباطات بین مردم کمتر صورت گیرد. عدم استفاده بهینه از مرز برای تجارت و ترانزیت کالا مهمترین مسئله این استان است که نادیده گرفته شده است.

۶. نقش پارادایم‌سازی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان

جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد به‌الگویی در روابط بین‌الملل تبدیل شود و حاوی پیام‌ها و اهداف بسیار والایی است که بسیار فراتر از مرزهای ملی ایران است (پورحسن، ۱۳۹۶: ۲). سیاست خارجی به‌عنوان پیوند دهنده سطح ملی و بین‌المللی، عهده‌دار چنین مسئولیت خطیری است. سیاست خارجی روزآمد، مستلزم بهره‌گیری از دیپلماسی است. دیپلماسی مانند سایر ابزارهای تولید قدرت ملی، به‌شدت در حال تحول است. با ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله در جهت رشد و توسعه انقلاب اسلامی ایران، حصول به این چشم‌انداز در گرو توجه به مؤلفه‌ها و ابزارهای جدید قدرت است. طرح موضوع اقتصاد بدون نفت و اقتصاد مقاومتی طی سال‌های اخیر خوددلیلی بر نگرش آینده‌پژوهانه به قدرت اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در این میان پارادایم‌سازی عرصه تلاقی و نمود سویه جدید تولید قدرت

ملی است که در آن هم بازیگران ملی و هم بازیگران فروملی ایفای نقش می‌کنند. تقلیل قدرت ملی به قدرت نظامی، آسیب‌پذیری‌های جمهوری اسلامی را به شدت افزایش خواهد داد و این مساله در دوره تحریم‌های چند لایه و ظالمانه بین‌المللی طی سال‌های اخیر تجربه شده است. به نظر می‌رسد در طی سال‌های اخیر در سطوح رسمی و کلان اهمیت نقش اقتصاد در قدرت ملی مورد توجه قرار گرفته است، اما در سطح عملی هنوز سازوکارهای لازم و جامع اجرایی و عملیاتی نشده است. پارادایم‌های ابزاری برای بهره‌گیری دولت‌ها از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در دنیای جهانی شده امروز است. با توجه به تأثیرات جهانی شدن دیپلماسی دیگر متمرکز و ایستا نیست و بیشتر گرایش به پویایی و سیال بودن دارد، بنابراین دیپلماسی سنتی جواب‌گویی نیاز دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نیست (شکوهی و صفری، ۱۳۹۸: ۵۷). با توجه به تغییر ویژگی‌ها و منابع قدرت در عصر جهانی شدن، شاهد تغییر کانون قدرت از کشورها به بازیگران فروملی، یا فراملی هستیم (دهشیری، ۱۳۹۲: ۸). در نگاه دیگر با عطف به اینکه اقتصاد مقاومتی یکی از استراتژی‌های مهم جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا این امر یکی از مهمترین راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی و اقتصاد بدون نفت است. روابط پارادایماتیک منجر به تسریع هرچه بیشتر دستیابی به اصول اقتصاد مقاومتی و محقق نمودن آن می‌گردد. همان‌طور که یکی از آرزوهای مقام معظم رهبری این است که با تلاش نخبگان و دانشمندان کشور، بتوانیم روزی در چاه‌های نفت را بسته و اقتصاد خود را بر اساس منابع غیر نفتی استوار کنیم. اقتصاد بدون نفت یکی از تأکیدات ایشان به دولت‌های مختلف بعد از جنگ تحمیلی است. مناطق و استان‌های مرزی اغلب دارای مسائل و مشکلات خاصی هستند که سایر استان‌های غیرمرزی با آن مشکلات روبرو نیستند. از همین رو است که همواره توصیه می‌شود تا مسئولان و کارگزاران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی و امنیتی کشور، توجه خاصی را به این مناطق مرزی مبذول نمایند. این مسائل و مشکلات در صورت عدم نظارت و رسیدگی نه تنها کل استان‌های مرزی بلکه در موضوع مورد مطالعه ما استان سیستان و بلوچستان را در معرض تهدید قرار می‌دهند و می‌توانند زمینه‌ساز سایر مشکلات شوند.

۶/۱-امنیت

مناطق مرزی به دلیل مجاورت با کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی خاصی دارند که جزء لاینفک آنها به شمار می‌رود (بهرامی جاف و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱۷). مناطق مرزی ایران یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق مرزی خاورمیانه و کل جهان به حساب می‌آید. این مناطق در طول تاریخ چندین هزار ساله کشور حوادث گوناگون سیاسی و نظامی را شاهد بوده است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۰). مناطق مرزی کشور، به ویژه مناطقی که در مجاورت مرزهای زمینی قرار گرفته‌اند، با چالش‌های خاص امنیتی روبرو هستند. از همین رو مناطق مرزی، سنگر اول حفاظت یک کشور از ورود دشمنان محسوب می‌شوند. در نتیجه همین مسئله است که در هر کشوری نیروهای ویژه‌های برای مراقبت از مرزها و پایش مداوم آنها تعیین می‌گردد. نظارت مداوم بر مرزها، به ویژه اگر این مرزها در مجاورت مناطق آشفته و جنگ زده جهان قرار گیرد، بسیار سخت، پرهزینه و طاقت فرسا است. شرایط خاص مناطق مرزی ایجاب می‌کند که نیروهای مرزبانی به صورت شبانه روزی از آن پاسداری نمایند. در طی بیش از چهار دهه گذشته و از زمان حمله شوروی سابق به افغانستان، کشورهایی که در مجاورت مرزهای زمینی کشور قرار گرفته‌اند، در بسیاری از مواقع دچار آشفتگی یا ناامنی بوده‌اند. چهل سال جنگ مداوم در کشور افغانستان، مرزهای این کشور را به یکی از ناامن‌ترین مرزهای جهان تبدیل کرده است. ناامنی در این مناطق در برخی مواقع بدون کنترل توسط دولت‌های همسایه، باعث فعالیت بیش از پیش گروه‌های شبه نظامی یا تروریستی شده است که ممکن است تلاش کنند تا برخی اقدامات را در مناطق داخلی مرزهای ایران نیز صورت دهند و از همین رو نظارت بر آنها اهمیتی بیش از پیش می‌یابد و شرایط خاصی را ایجاد خواهد کرد. لازم به ذکر است تامین امنیت استان سیستان و بلوچستان با توجه به ظرفیت‌های موجود سبب توسعه اقتصاد و تجارت و سودآوری برای مرزنشینان خواهد بود (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸: ۳). در نتیجه جنگ طولانی، مرز شرقی افغانستان با جمهوری اسلامی ایران که در همسایگی استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است را تبدیل به مرزی کرده است که نیازمند مراقبت دائمی و شبانه روزی است. لذا پارادایم‌های تأثیرات بالقوه‌ای بر امنیت بین جمهوری اسلامی ایران با دو کشور همسایه پاکستان و افغانستان دارد.

۶/۲- آوارگان جنگی، میهمانان مناطق مرزی

یکی از چالش‌های عمده در مناطق مرزی و به ویژه مناطقی که در مرز با کشورهای درگیر جنگ قرار دارند، موج مهاجرت اهالی کشورهای همسایه است. مرزهای غربی و شرقی ایران نیز در طی دهه‌های گذشته همواره با این مسئله روبرو بوده‌اند. به ویژه کوچ گسترده شهروندان کشور افغانستان به مرزهای شرقی ایران و ورود قانونی یا غیرقانونی آنها، در بسیاری از مواقع این استان‌ها را با چالش‌هایی جدی روبرو کرده است. در عین حال بسیاری از شهروندان کشورهای جنگ‌زده یا فقیر منطقه، برای مهاجرت به اروپا، ایران را به عنوان مسیر عبور خود انتخاب می‌کنند و در تلاش هستند تا با ورود به مرزهای شرقی ایران، به سمت مرزهای غربی کشور رفته و از ایران خارج شوند. این تلاش‌ها، مشکلاتی جدی را برای ساکنان مناطق مرزی ایجاد می‌کند و تبدیل به یکی از چالش‌های جدی امنیتی در مناطق مرزی ایران شده است. با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است تا مهمان‌نوازی خود را ثابت کرده و تا حد ممکن، امکانات لازم برای موج پناهندگان را فراهم نماید، اما جمعیت میلیونی آوارگان جنگی به ویژه از کشور افغانستان در ایران سالها است که امکانات و زیرساخت‌های کشور در مناطق مرزی ایران را درگیر خود ساخته است.

پارادایلماسی می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را در اختیار دولت‌ها قرار دهد تا آنها بتوانند مشکلات و چالش‌های خود از جمله معضل آوارگان را به واسطه بخش‌های فراملی به ویژه مقامات و مسئولین محلی مثل استانداران، فرمانداران و شهرداران حل و فصل کنند.

۶/۳- قاچاقچیان مانع عمده توسعه مناطق مرزی

قاچاقچیان مواد مخدر، سوخت، سلاح و کالا، همواره برای قاچاق محموله‌های مورد نظر خود، باید از مرزها عبور کنند. بخشی از قاچاقچیان همچون قاچاقچیان کالا، مواد مخدر و سلاح در تلاش هستند تا از طریق مبادی ورودی کشور، محموله‌هایی را وارد کنند و گروهی دیگر همچون قاچاقچیان دام و احشام، اشیای عتیقه و سوخت، آماده هستند که با گذر از مبادی خروجی، سود سرشاری را به دست آورند. در نتیجه این مسئله، مرزنشینان کشور همواره درگیر مسئله حضور قاچاقچیان در مناطق خود هستند و تبعات این اقدامات دست و پنجه نرم می‌کنند. علاوه بر ناامنی که به واسطه حضور قاچاقچیان در مناطق مرزی ممکن است ایجاد شود، حضور

قاجاقیان و فعالیت آنان، عرصه را بر اشتغال و فعالیت سالم بازرگانی مرزنشینان تنگ می‌کند و این ساکنان مناطق مرزی هستند که باید هزینه‌های سودجویی قاجاقچیان را بپردازند. حضور همین قاجاقچیان است که در بسیاری از مواقع بازرگانی و تجارت ساکنان مناطق مرزی خصوصاً افغانستان و پاکستان را با مشکلاتی مواجه می‌کند، ممکن است باعث اختلال در فعالیت‌های قانونی مرزنشینان شود. این در حالی است که بحث تبادلات تجاری مرزنشینان، یکی از اولویت‌های مهم ساکنان این مناطق است و می‌تواند به تغییر وضعیت درآمدی آنان بی‌انجامد. یکی از راه‌های کاهش قاجاق کالا را ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌دانند. بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور واقع در مناطق مرزی و در جوار گمرکات که در آن مبادله کالا با انجام تشریفات ترخیص کالا ممکن می‌باشد (کهنه‌پوشی و شایان، ۱۳۹۱: ۶۰). استان سیستان و بلوچستان از لحاظ سیاسی هم می‌تواند به عنوان شهری مرزی که در همسایگی کشورهای پاکستان و افغانستان است و دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی و قومی نیز با این کشورها می‌باشد، به نزدیکی کشور جمهوری اسلامی ایران و این دو کشور کمک کند و در راستای اهداف پارادایم‌مندی با ایجاد بازارچه‌های مرزی در جهت اشتغال از قاجاق مواد مخدر جلوگیری کند.

۶/۴- دوری از مرکز، چالش اصلی مناطق مرزی

مهمترین مسئله مناطق مرزی، دوری از مرکز است. نواحی مرزی به واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی، تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه ساختاری در مقایسه با دیگر مراکز جمعیتی کشور دارند که این تفاوت‌ها به گسست این دو ناحیه و ایجاد رابطه استثماری به نفع مرکز منجر شده است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در حالی که طبق داده‌ها و آمار موجود، اغلب مناطق برخوردار کشور، در مناطق مرکزی کشور قرار دارند، این مناطق مرزی هستند که بار اصلی بیکاری، فقر و حاشیه‌نشینی بر دوش استان‌های مرزنشین است. دوری از مناطق مرکزی همچنین باعث می‌شود تا ساکنان مناطق مرزی، دسترسی کمتری به امکانات بیمارستانی، درمانی، آموزشی، دانشگاهی، تجاری و اداری داشته باشند. رساندن خدمات شبکه ملی آب، برق، گاز و مخابرات به مناطق مرزی همواره دشوارتر از مناطق مرکزی است. در نتیجه همین چالش‌ها است که می‌توان گفت استان‌های مرزی ایران، اغلب با چالش‌ها و بحران‌های جدی در مقایسه با استان‌های غیرمرزی کشور مواجه هستند و مسائل

و مشکلات بیشتری دارند که نیازمند توجه بیشتر مسئولان و مدیران دولتی به این استان ها و ساکنان مناطق مرزی آن است (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸: ۵). جمهوری اسلامی ایران به لحاظ واقع شدن در منطقه ژئوپلیتیکی مهم و در پی آن دارا بودن ویژگی های ممتاز از لحاظ جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی می تواند با استفاده از زمینه های موجود در مرزهای خود به افزایش روابط پارادایلماتیک بپردازد. مرزهای ایران دارای ظرفیت های سه گانه جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی هستند.

۶/۵- کمبود سرمایه گذاری

یکی از شاخص های مهم در سنجش وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه، شاخص سرمایه گذاری است، افزایش مناسب این شاخص از یک سو باعث افزایش رشد تولید، اشتغال و سپس صادرات و به طور طبیعی بهبود وضع طبقات پایین و محروم جامعه می شود و از طرفی رشد سرمایه گذاری نمادی از ثبات اقتصادی و چشم انداز مثبت جامعه به ویژه از دیدگاه سرمایه گذاران نسبت به آینده است. از طرفی امروزه جذب و تشویق سرمایه گذاری خارجی به سبب آثار مثبتی نظیر تامین مالی پروژه های بخش دولتی و خصوصی، انتقال تکنولوژی های جدید، ایجاد اشتغال، دسترسی به بازار های صادراتی، افزایش کیفیت در حوزه مدیریت بنگاه ها، ایجاد ارتباطات موثر با دیگر کشورها و .. در دستور کار دولت های مختلف قرار گرفته است. تحقق این امر مستلزم فراهم نمودن فرآیندی است که هریک از گام های این فرآیند به مثابه قطعه های یک پازل بوده که می بایست به درستی در کنار یکدیگر قرار بگیرد. البته شناساندن توانمندی ها و اطلاع رسانی مناسب از ظرفیت ها از مهم ترین گام های نخست در جذب سرمایه گذاری است. به نظر می رسد ما بایستی در کشور خود برای عقب نماندن از چرخه تاثیرگذاری بر تحولات منطقه ای و جهانی به سمت و سوی افزایش نقش مردم در سیاست خارجی حرکت کنیم. همان گونه که گفته شد پارادایلماسی یعنی در کنار دولت و دستگاه سیاست خارجی که بازیگر رسمی سیاست خارجی کشورها هستند، گروه ها و هویت های فرو ملی به مشارکت و نقش آفرینی در عرصه سیاست خارجی می پردازند و همراه با دولت یا حتی به صورت مستقل از آن در عرصه روابط بین الملل به ایفای نقش مشغول می شوند (خالقی نژاد، ۱۳۹۹: ۲). جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت های پارادایلماتیک متنوعی است که می تواند با بهره

گیری از کنشگران ریز و کوچک خود به ارتباطات بیشتر خارجی با کشورهای همسایه پردازد و کمبود سرمایه گذاری خود را از این طریق بهبود بخشد.

نتیجه گیری

امروزه افکار عمومی به مدد فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در دسترس خود به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست گذاری دولت‌ها ایفای نقش می‌کند، از این رو در عصر رسانه، کشوری که بتواند با به کارگیری ظرفیت‌های خود در حوزه رسانه و فضای مجازی، افکار عمومی خود را در مسیر فعالیت منسجم‌تر و پر رنگ‌تر در حوزه دیپلماسی عمومی سازماندهی کند، طبعاً می‌تواند به شکل بهتر و هدفمندتری در سطح بین‌الملل ظهور و بروز پیدا کرده و به شکل مطلوب‌تری از قدرت نرم خود در راستای منافع ملی اش بهره برد و به تبع آن حتی در صورت ضعف نظامی و اقتصادی، کمتر در معرض تهدیدات قرار گیرد. در طول دهه های اخیر و با توسعه و فراگیری فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، پارادایم‌های دیپلماسی در عرصه سیاست خارجی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است، جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته است به خوبی از این ظرفیت عظیم برای پاسخگویی به نیازها و حل مشکلات مناطق مرزی و حرکت به سمت توسعه پایدار استفاده نماید. جمهوری اسلامی ایران به دلیل دارا بودن مرزهای چهارگانه انز نظر جغرافیایی و تنوع فرهنگی که با مرزهای خود در کشورهای دیگر مشترک است و همچنین تولیدات اقتصادی و ظرفیت های اقتصادی مناسب، دارای ظرفیت های پارادایماتیک متنوعی است که می‌تواند با بهره گیری از کنشگران ریز و کوچک خود به ارتباطات بیشتر خارجی با کشورهای همسایه پردازد و قدرت ملی خود را افزایش دهد. پارادایم‌های دیپلماسی نه تنها موجب توانمندسازی استان های مرزی کشور و توان افزایش منطقه ای می‌شود، بلکه با سطوح نابرابر توسعه یافتگی مناطق همجوار ایران، زمینه مساعدی برای موفقیت پارادایم‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند. از آنجا که پارادایم‌های دیپلماسی می‌تواند تنوع همسایگان ایران و قرابت های مناطق مرزی را به فرصتی بی نظیر برای قدرت ملی ایران تبدیل کند، یافته های این مقاله، قابل تسری به سایر استانهای مرزی کشور بوده و می‌تواند در افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی مؤثر باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل های

موجود مبادلات تجاری و ترازیت کالا در استان، عملاً حجم مبادلات تجاری صورت گرفته از مرزهای استان قابل توجه نیست و می توان آن را یکی از مسائل اصلی استان قلمداد نمود که در صورت حل آن، ارزش افزوده استان افزایش یافته و مسئله بیکاری استان نیز تا حدودی مرتفع می گردد. در صورت بهبود وضعیت تجارت و ترازیت کالا از مرزهای استان، معیشت مرزنشینان نیز بهبود یافته و از مهاجرت آنها به حاشیه شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل خواهد آمد. این امر هم از نظر امنیت مرز و هم از نظر مسائل و آسیب های اجتماعی احتمالی ناشی از حاشیه نشینی این افراد، دارای اهمیت بسزایی است.

پژوهشگر در این مقاله با تبیین دلایلی از جمله داشتن موقعیت جغرافیایی ویژه، وجود معادن غنی فلزی، اقلیم مناسب کشت محصولات، نقش بازرگانی ملی و ترازیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی، فعالیت های گردشگری، بندرچابهار، انرژی خورشید و باد، فعالیت پایانه های مرزی، صنایع کشتی سازی و وجود اسکله های مهم کشتیرانی را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن است که پارادایلماسی در منطقه مرزی سیستان و بلوچستان می تواند نقش بسزایی در جذب سرمایه و اشتغال زایی و گسترش تبادلات متنوع اقتصادی و کمک به دولت مرکزی در حل و فصل مسائل فرامنطقه ای تأثیر داشته است. لذا برای تحقق پارادایلماسی در استان سیستان و بلوچستان با رعایت پارامترهایی همچون وجود زیرساخت های توسعه مرزها، گستردگی مرزهای این استان با دو کشور پاکستان و افغانستان، گسترش ارتباطات با داخل و خارج برای خروج از انزوا و لزوم حمایت و پشتیبانی های ویژه از این مناطق جهت خروج فوری از محدودیت و دستیابی به توسعه زیر برای توسعه منطقه مرزی استان سیستان و بلوچستان ضروری است.

پیشنهادها

با توجه به فرضیه مقاله پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:

با هدایت و حمایت دستگاه دیپلماسی کشور از راه اندازی تشکل های مردم نهاد با اهداف اقتصادی فرهنگی استان حمایت گردد.

تبادلات اقتصادی و فرهنگی در نواحی مرزی از طریق فعال سازی تشکل های مردمی

تقویت شود.

ارائه آموزش و مهارت های لازم به مرزنشیان علاقمند به تبادلات بین مرزی در زمینه های گوناگون انجام پذیرد.

اختصاص بودجه های فرهنگی مناسب برای کیفیت بخشی و توسعه برنامه ها خصوصا در حوزه شرق آسیا در نظر گرفته شود.

حمایت از برنامه های تبادل استاد و دانشجوی بین الملل در نواحی مرزی از طریق ارائه فرصت های کوتاه و بلندمدت پژوهشی و تحقیقاتی انجام پذیرد.

فهرست منابع

- اشرف سمنانی، بهروز. (۱۳۹۸). مرزنشینان و چالش های زندگی در نوار سختی ها، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵/۱۰/۱۳۹۸ <https://www.irna.ir/news>
- بهرامی جاف، ساجد، شیوراک، رحیم و مازندرانی، دریا (۱۴۰۰)، «تحلیل کارکرد بازارچه ی مرزی در توسعه مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح)»، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۴، ۵۱۱-۵۳۱.
- پورحسن، ناصر. (۱۳۹۶). پارادایلماسی، تهران: انتشارات سخنوران
- خالقی نژاد، مریم. (۱۳۹۹)، پارادایلماسی و افزایش قدرت ملی، سایت دیپلماسی ایرانی، <http://irdiplomacy.ir> ۱۳۹۹/۲/۳
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۲). «پارادایلماسی در عصر جهانی شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱۳.
- روزنا، جیمز. (۱۳۸۲). جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زادگان، امیرمحسن و حسینی کرانی، سیدرسول (۱۳۹۰). «تأثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، (۳)، صص ۲۳-۱.
- زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۰). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۵). م. ساله شناسی راهبردی، توسعه در استان سیستان و بلوچستان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیمبر، رضا. (۱۳۸۵). «کارویژه های دیپلماسی مدرن در روابط بین الملل: تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل»، سیاست خارجی، شماره ۱
- شکوهی، سعید و صفری، عسگر (۱۳۹۸)، «پارادایلماسی ابزار نوین تعامل دولت ایران با مناطق کردنشین»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۸، شماره یک، ۷۶-۴۹.
- شولت، ج. (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید. (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، تهران: انتشارات ققنوس

صباغیان، علی. (۱۳۸۶). دیپلماسی چیست؟ روزنامه همشهری آنلاین ۱۳۸۶/۰۵/۲۱
عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، نشر کارنگ.
عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف. (۱۳۸۸). «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران»، باغ
نظر، شماره دوازده، ۵۷-۷۶

قوام، سید علی. (۱۳۸۳). جهانی شدن و جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
کامران، حسن، پرزادی، طیبه، و حسینی امین، حسن. (۱۳۹۰). «ساماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار
با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۵)، ۱۳۲-۱۰۹
کهنه پوشی، سید هادی و شایان، حمید. (۱۳۹۱). «بررسی تاثیرات اقتصادی قاچاق بر شهرهای
مرزی؛ مطالعه موردی: شهر مریوان»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۹،
۵۱-۷۳.

محمدی، حمیدرضا و فخرفاطمی، علی اکبر (۱۳۸۴)، «نقش بازارچه های مرزی در توسعه فضایی مناطق
مرزی، پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران»، ژئوپلیتیک، شماره یک، ۷۶-۵۵.
مومنی، مجیدرضا، رحیمی، آزاده و غیبی زاده، نسرین. (۱۳۹۵). «پارادایم‌های سی و کاربرد آن در شهرهای
مرزی مطالعه موردی آذربایجان غربی»، پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره ۲۱.
نادری چنار، زکیه، جان پرور، محسن و رنجکش، محمدجواد (۱۴۰۱)، «تبیین و سطح بندی پارامترهای
دیپلماسی مرزی بین ایران و ترکمنستان»، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دوره ۲۰، شماره ۲، ۱۱۳-۷۷.

Hocking, Brian (1993) *Localizing Foreign Policy, Non-central Governments and Multilayered Diplomacy*, Palgrave Macmillan.

Keating, Michael (2000) *Paradiplomacy and Regional Networking*, conference organized by the Forum of Federations: an International Federalism

Jones, Philip N. and Trevor Wild. (1994) *Opening the frontier: Regional Studies*.

Sassen, Saskia (2010) *The Global inside The National: A Research Agenda for Sociology*.

Soldatos, Panayotis (1990) *An Explanatory Framework for the Study of Federal States as Foreign-policy Actors*” In: *Federalism and International Relations: the Role of Subnational Hans MICHELMANN e Panayotis, SOLDATOS*